

سختگوی سازمان آتش نشانی با بیان این‌که هیچ وقت فرزندان، بچه‌ها، کودکان، خصوصا افراد سالخورده و کسانی که بیمار هستند و به تنهایی از عهده کارهای خود برنمی‌آیند را در خانه تنها نگذارید، گفت: ممکن است اتفاقی برای آنها پیش بیاید پس بهتر است به افراد قابل اعتماد سپرده شوند.

جلال ملکی در توصیه‌ای به والدین در روزهای پایانی سال گفت: هنگامی که افراد منزل را ترک و به هر دلیلی بچه‌ها را تنها می‌گذارند خصوصا هنگامی

توصیه به والدین هنگام تنها گذاشتن فرزندان

بخشش قاتل پدر در آستانه سال نو

مردی که سه سال قبل بر سر اختلاف مالی مردی را کشته و جسدش را دفن کرده بود توانست در آستانه سال نو از دختر مقتول رضایت بگیرد.
به گزارش خبرنگار جام جم، شهاب مرد جوانی است که در جریان اختلاف مالی با مردی ۶۸ ساله او را شانزدهم شهریور سال ۱۴۰۰ در تهران به قتل رساند و چند هفته بعد بازداشت و با اعتراف او بقایای جسد دفن شده مقتول در بیابان‌های جاده پرند کشف شد. متهم مدتی بعد در دادگاه کیفری یک استان تهران محاکمه شد. دختر جوان مقتول که تنها ولی دم بود، برای قاتل درخواست قصاص کرد. عامل جنایت هم در دادگاه در جلسه دفاع از خود گفت: من و مقتول اختلاف مالی داشتیم. سر همین موضوع آن روز سوار خودرویش شدید تا حرف بزیم اما جروبحت‌مان شد و دعوا بالا گرفت. خودرو را متوقف کردم. در ادامه این کشمکش او را هول دادم که سرش به ستون خورد و خورد و بیهوش شد. وقتی به خود آمدم او فوت شده بود. جسد را در صندوق عقب خودرو گذاشتم و راه افتادم و در بیابان‌های جاده پرند دفن کردم. بعد هم خودرویش را به تهران آوردم و رها کردم.

قضات دادگاه بعد از پایان جلسه محاکمه حکم به قصاص او دادند که این رای از سوی قضات دیوان عالی کشور تایید و به شعبه اول اجرای احکام دادسرای جنایی تهران ارسال شد و نام او در فهرست افراد زیر حکم قصاص قرار گرفت. قرار بود حکم او بعد از سه سال اجرا شود که با درخواست مرد زندانی قرار شد جلسه صلح و سازش با دختر مقتول برگزار شود. در این جلسه مرد زندانی گفت: در این سال‌ها مدام عذاب کشیدم و وجدانم پر از درد و رنج بود. کلبوس طناب دار از من دور نمی‌شد. از دختر مقتول می‌خواهم از گناه سخت من به خاطر خانواده‌ام گذشت کند. دختر جوان وقتی دید قاتل به شدت دچار ندامت شده او را به شرط پرداخت دیه بخشید. مرد زندانی هم با خواسته تنها فرزند مقتول موافقت کرد. در ادامه پول دیه با کمک خانواده مرد زندانی و خیرین جمع‌آوری و پرداخت شد.

مریم صادقی، قاضی شعبه اول اجرای احکام دادسرای جنایی تهران با تایید این خبر به جام جم گفت: قرار است متهم به زودی از جنبه عمومی جرم خود در دادگاه کیفری یک استان تهران محاکمه شود.

که سر کار می‌روند و فرزندان در خانه تنها هستند مانند حادثه چند وقت قبل که پسر بچه‌ای حدودا شش ساله در مرکز شهر تهران همیشه در خانه تنها بود، روی فنس‌های بالکن رفت و احتمال سقوط او بود که همسایه‌ها تماس گرفتند. به‌هر حال سعی کنیید این افراد در خانه هیچ وقت تنها نمانند. وی افزود: مسأله دیگر این که سعی کنید بالکن‌ها یا هر جایی که نرده دارد یا اصطلاحا جان پناه هستند به صورت افقی نصب نشوند چون بچه‌ها خیلی راحت پای خود را روی این نرده‌ها گذاشته و مثل پله بالا می‌آیند و از آن

طرف سقوط می‌کنند که موارد این چنینی وجود داشته است.
ملکی عنوان کرد: بهتر است جان پناه‌ها یا نرده‌ها به صورت عمودی باشند و فاصله آنها جوری نباشد که بچه از بین نرده‌ها رد شود یا سقوط کند یا سر و صورت آنها آسیب‌گیر کند. اگر قصد کشیدن حفاظ دارید توری ساده ننزید تا بچه‌ها بتوانند از این توری‌ها بالا بروند؛ زیرا احتمال سقوط آنها وجود دارد. یک حفاظ بگذارید به طوری که از بالا رفتن بچه‌ها و خدای نکرده سقوط آنها جلوگیری شود.

خون مقتول، دامنگیر ۲مرد معتاد شد

دو مرد معتاد که متهم به سرقت مرگبار از پسر جوانی هستند در جلسه دادگاه منکر قتل شدند. رد خون روی جوراب و قبض پاکینگ یکی از متهمان، باعث شد پای آنها به این پرونده جنایی باز شود.

به گزارش خبرنگار جام جم، رسیدگی به این پرونده از شامگاه ۱۹ شهریور ۱۴۰۱ و با کشف پیکر غرق در خون پسر جوانی در منطقه بیابانی شهر بهارستان در غرب استان تهران آغاز شد. پسر جوان به نام یاسر به بیمارستانی در آن حوالی منتقل شد اما به علت شدت جراحات و خونریزی جان باخت. ماموران در جریان تحقیقات دو مرد به نام‌های شاهین و مهرداد را در این رابطه دستگیر کردند. در حالی که متهمان منکر قتل بودند اما رد خون روی جوراب و قبض پاکینگ یکی از آنها، باعث شد پرونده با دلایل قضایی و صدور کیفرخواست به شعبه ۱۳ دادگاه کیفری یک استان تهران ارسال شود.

چندی قبل متهمان پای میز محاکمه قرار گرفتند اما در نهایت پرونده به دلیل نقص در تحقیقات، به دادسرا باگشت. باتکمیل تحقیقات، متهمان روز گذشته دوباره پای میز محاکمه قرار گرفتند. در ابتدای این جلسه، وکیل اولیای دم درخواست قصاص متهمان را مطرح کرد. سپس شاهین در جایگاه ایستاد و گفت: آن شب ماشینم را در پاکینگ پارک کردم و به سمت خانه می‌رفتم که مهرداد سراغم آمد و به خاطر دوستی من و پسرش خواست آنها را آشتی بدهم. می‌گفت پسرش به خاطر فروش گوشی تلفن همراه قهر کرده و به خانه یک افغانی رفته است. درحال رفتن به آنجا بودیم که دستگیر شدیم.

رئیس دادگاه سپس پرسید: اگر بی‌گناه بودید، چرا فرار کردید؟ که شاهین مدعی شد: ۵۲ میلیون تومان پول در کارتم بود و مواد هم داشتم، فکر کردم قصد هفت کردن ما را دارند. به همین خاطر فرار کردم. بعد فهمیدم مامور هستند. گوشی من را نقطه زنی

کنید، اگر در زمان قتل در آن محل حضور داشتم، قاتلم.

رئیس دادگاه از متهم خواست درباره رد خون مقتول روی جورابش و قبض پاکینگ داخل جیبش توضیح دهد که مرد میانسافت گفت: وقتی فرار می‌کردم، یک لنگه کشتم از پایم بیرون آمد. دنبال آن بودم که پایم روی مایعی گرم رفت و فکر کردم روغن سوخته است. درمورد قبض پاکینگ هم توضیحی ندارم و نمی‌دانم چرا خونی بود. رئیس دادگاه پرسید: در همین شعبه پیش از این پرونده قتل دیگری داشتید، درباره

آغاز رسیدگی به جنایت پادکستر معروف

توانستند او را به زادگاهش منتقل کرده و دفن کنند. با گذشت هشت ماه از این جنایت هولناک والدین باران به شعبه اول بازپرسی دادسرای جنایی تهران آمدند و شکایتی در ارتباط با قتل فرزندشان مطرح کردند و خواستار رسیدگی به ماجرای مرگ او شدند. محسن اختباری، بازپرس شعبه اول دادسرای جنایی تهران با تایید این خبر به جام جم گفت: با شکایت والدین زن کشته شده ایرانی در کانادا، قرار شد مکاتباتی از سوی واحد بین الملل قوه قضایی با مرجع قضایی کانادا انجام گیرد تا آنها نتایج تحقیقات خود را در اختیار مراجع قضایی ایران قرار دهند. با توجه به خواسته این خانواده ادامه تحقیقات درباره دیگر ابعاد قتل ادامه دارد.

به او ملحق شد. همه چیز خوب پیش می‌رفت تا این‌که روزهای پایانی تیر امسال دوست باران به خانواده او در ایران خبر داد که مهدی همسرش را کشته و در ادامه خودکشی کرده است. وقتی خانواده باران موضوع را بررسی کردند معلوم شد ماجرا صحت دارد و این مرد ایرانی تابستان امسال در خانه‌اش در شهر نیوفاندلند کانادا در حالی که خودکشی کرده بود پیدا و به بیمارستان منتقل شده بود اما فوت کرد. این در حالی بود که جسد همسر او باران نیز در حالی که در چمدانی جا سازی شده بود، در نزدیکی رود خانه شهر سنت جان کانادا کشف شد. بعداز این ماجرا بود که خانواده‌اش برای انتقال پیکر باران به ایران اقدام کردند و بعد از کشمکش چهار ماهه

رسیدگی به پرونده قتل زن ایرانی و خودکشی شوهر پادکستر او در کانادا، با شکایت خانواده مقتول در دادسرای جنایی تهران آغاز شد. به گزارش خبرنگار جام جم، مهدی پورباقی ۳۴ ساله و تولیدکننده ایرانی پادکست معروف «آخرین شاهد» بود که در این پادکست، داستان‌های جنایی را روایت می‌کرد. او و همسرش باران یازده سال قبل ازدواج کردند و ۸ سال در شهر لاهیجان استان گیلان زندگی می‌کردند. مهدی از طریق برنامه‌نویسی و کارهای به تلفن همراه پدرم تماس گرفت و وقتی این پرونده از سال ۹۲ و با مرگ مرد میانسال افغان در بیمارستان سوانح سوختگی تهران آغاز شد. بررسی‌ها نشان داد، این مرد با اسید دچار سوختگی شده و از بیمارستانی در کرج به تهران منتقل شده بود. تلاش یک ماهه پزشکان برای نجات جان او موثر واقع نشد و او بر اثر شدت جراحات جان باخت.

پرونده قتل مردی که قربانی اسیدپاشی شده بود، پس از ۱۱ سال از مرگش و فراری بودن قاتل، به صورت غیابی رسیدگی شد. به گزارش خبرنگار جام جم، رسیدگی به این پرونده از سال ۹۲ و با مرگ مرد میانسال افغان در بیمارستان سوانح سوختگی تهران آغاز شد. بررسی‌ها نشان داد، این مرد با اسید دچار سوختگی شده و از بیمارستانی در کرج به تهران منتقل شده بود. تلاش یک ماهه پزشکان برای نجات جان او موثر واقع نشد و او بر اثر شدت جراحات جان باخت.

فرزند این مرد تبعه افغان در تحقیقات گفت: پدرمان در ملارد زندگی می‌کرد. یک روز قبل از حادثه از سوی فامیل دورمان به نام بصیر تهدید شده بود. آن روز قصد ورود به خانه را داشت که بصیر روی او اسید ریخت.

تحقیقات برای دستگیری متهم آغاز شد اما ردی از او به دست نیامد تا این‌که پس از ۱۲ سال به صورت غیابی در دادگاه کیفری یک استان تهران محاکمه شد. در جلسه محاکمه در شعبه سیزدهم دادگاه کیفری، اولیای دم برای بصیر قصاص خواستند. یکی از فرزندان مقتول گفت: پدرمان بزرگ

رسیدگی غیابی

به پرونده اسیدپاشی مرگبار

فامیل بود و با بصیر اختلاف خانوادگی داشت. او پدرمان را تهدید کرده بود. بعد از اسیدپاشی هم ناپدید شد. چند باری به گزارش خبرنگار جام جم، رسیدگی به این پرونده از سال ۹۲ و با مرگ مرد میانسال افغان در بیمارستان سوانح سوختگی تهران آغاز شد. بررسی‌ها نشان داد، این مرد با اسید دچار سوختگی شده و از بیمارستانی در کرج به تهران منتقل شده بود. تلاش یک ماهه پزشکان برای نجات جان او موثر واقع نشد و او بر اثر شدت جراحات جان باخت.

فرزند این مرد تبعه افغان در تحقیقات گفت: پدرمان در ملارد زندگی می‌کرد. یک روز قبل از حادثه از سوی فامیل دورمان به نام بصیر تهدید شده بود. آن روز قصد ورود به خانه را داشت که بصیر روی او اسید ریخت.

پسر ورزشکار که متهم است در شب عید سال قبل در جریان درگیری دسته جمعی خون به پا کرده بود، در دادگاه از خود دفاع کرد. متهم در جلسه دادگاه منکر ضربه به مقتول شد.

به گزارش خبرنگار جام جم، در آخرین روزهای سال گذشته درحالی‌که مردم قرجک برای خرید نوروژی به خیابان آمده‌و در حال خرید از دستفروشان کنار خیابان بودند، درگیری چند پسر جوان در خیابان لحظاتی دلهره‌آور را رقم زد. در این درگیری چند نفر از دو طرف دعوا مصدوم و به بیمارستان منتقل شدند که یکی از آنها به نام سعید بر اثر شدت جراحات جان باخت. ضارب به نام مه‌ران هم شناسایی و دستگیر شد. باتکمیل تحقیقات، پرونده با صدور کیفرخواست به دادگاه کیفری یک استان تهران ارسال شد و متهم صبح دیروز در شعبه دهم دادگاه کیفری یک استان تهران محاکمه شد.

در ابتدای جلسه محاکمه، مادر سعید برای قاتل پسرش درخواست قصاص کرد. وکیل مادر مقتول هم گفت: بر اساس اطلاعاتی که به ما رسیده، متهم روز قبل به یکی از اهالی گفته بود می‌خواهم دو کمک، هدف او دو

نفر دیگر بود و با مقتول مشکلی نداشت. شکایت ما قتل عمدی است و درخواست قصاص داریم. سپس یکی از افراد حاضر در نزاع در جایگاه شاکي ایستاد و از مه‌ران شکایت کرد و گفت: متهم با جسم تیز دو ضربه به گردن و بازویم زده که درخواست دیه دارم. رئیس دادگاه در ادامه اتهام قتل عمدی، ضرب و جرح عمدی با قمه و نزاع دسته جمعی را به مه‌ران تفهیم کرد و از او خواست در برابر این اتهامات دفاع کند. متهم با رد اتهام قتل عمدی اظهار داشت: من ضربه‌ای به مقتول نزدم، من دانشجوی ورزشکار هستم و اهل دعوا نیوده و ننشیم. با بساط کنار خیابان هزینه باشگاه و دانشگاهم را تامین می‌کنم. روز حادثه سوار

محاکمه پسر ورزشکار به اتهام قتل در شب عید

موتور شده و به سمت پردرم که پایین تر از من بساط داشت، رفتم. در مسیر برگشت دوستم کریم را دیدم و چند دقیقه ایستادم و با او حرف زدم. راه افتادم که موتوری به سمت من آمد و به را کب آن سلام کردم که او برگشت و اعتراض کرد، نمی‌خواهم سلام بدهی. بعد او و دوستانش به من حمله کردند. دو نفر روی سر من ریخته و داشتند مرا می‌کشتند. کریم برای کمک به من آمد که او را هم کتک زدند.

رئیس دادگاه از متهم پرسید: شمشیر و چاقو را از کجا آوردی؟ که متهم در پاسخ گفت: چاقو همراهم بود و شمشیر را سرنشین یک خودروی ال ۹۰ به من داد اما از آن استفاده نکردم. با چاقو به کمر و صورتم زدند و دستم را شکستند و در آخر با ماشین از روی من و کریم رد شدند.

قاضی به اعترافات قبلی متهم اشاره کرد که او اظهار داشت: من هیچ ضربه‌ای نزدم و فقط در حال فرار بودم. آن قدر خون از من رفته بود که در حال مردن بودم.

وکیل مه‌ران هم در دفاع از او گفت: بر اساس فیلم‌های موجود از صحنه درگیری، شروع کننده دعوا موکلم نبوده و اگر ضربه‌ای هم زده باشد در دفاع از خود زده و عمل او دفاع مشروع است. ۱۰ ضربه به مه‌ران زدند که گواهی پزشکی قانونی درباره مصدومیت او در پرونده موجود است. پس از دفاعیات متهم و وکیل مدافع او، قضات برای تصمیم‌گیری وارد شور شدند.



جام جم

حوادث

۱۹

INCIDENT

یکشنبه ۱۹ اسفند ۱۴۰۳ شماره ۷۰۰۱

🔴 کوتاه از حوادث

شهادت مامور آگاهی در ایرانشهر

مرکز اطلاع‌رسانی پلیس سیستان و بلوچستان با صدور اطلاعیه‌ای از شهادت افسر پلیس آگاهی ایرانشهر خبر داد. شامگاه جمعه هفدهم اسفند امسال، در درگیری با سارقان مسلح در شهرستان ایرانشهر ستواندوم «رضادربنی» از مأموران پلیس آگاهی ایرانشهر به شهادت رسید. همچنین در این درگیری یک مامور پلیس دیگر نیز مجروح شد. تحقیقات پلیس برای دستگیری عاملان شهادت مامور آگاهی ادامه دارد.

سرقت مرگبار دزدان افغان

چهار مرد تبعه افغانستان شبانه به محل استراحت کارگران هموطن‌شان حمله کردند و با مصدوم کردن هشت نفر گوشی هایشان را سرقت کردند. در این ماجرا یکی از افراد زخمی فوت کرد و متهمان بازداشت شدند.

به گزارش خبرنگار جام جم، روزهای پایانی هفته گذشته ماموران در تماس با بازپرس کشیک قتل دادسرای جنایی تهران او را در جریان قتل مرد کارگری قرار دادند. با دستور قضایی تحقیقات ماموران اداره دهم پلیس آگاهی تهران در این رابطه آغاز و معلوم شد مقتول مردی جوان و تبعه افغانستان بوده که همراه سه هموطنش بر اثر حمله سارقان زخمی شده بودند که او به دلیل شدت جراحات جان باخته است. در ادامه تحقیقات چهارمرد تبعه افغانستان هم بابت سرقت از مقتول و دیگر مجروحان شناسایی و بازداشت شدند.

ماموران به تحقیق از سه مرد زخمی دیگر در بیمارستان پرداختند که معلوم شد شامگاه سی‌ام بهمن امسال در محل کارشان ساختمان نیمه کاره‌ای در میدان شوش تهران خواب بودند که مهاجمان که از اتباع افغانستان بودند به آنها حمله کردند و با ضربه‌های چاقو و قمه از سوی آنها زخمی شدند. گوشی‌های آنها و چهار نفر دیگر از همکاران‌شان که مورد ضرب و شتم قرار گرفته بودند از سوی مهاجمان به سرقت رفته بود. مقتول و دوستانش به دلیل وخامت حالشان به بیمارستان منتقل شدند.



ماموران به تحقیق از متهمان پرونده پرداختند که بصیر یکی از آنها در اظهاراتش گفت: دوستی داشتم که پیش از این در همین ساختمان در حال ساخت کار می‌کرد، او برایمان تعریف کرده بود که دوستانش که در این ساختمان کار می‌کنند، گوشی‌های گرانیتمنی دارند و پول هایشان را هم در همین ساختمان و در اتاقک نگهدانی نگهداری می‌کنند. با شنیدن حرف‌های او و سوسه شدم به آن ساختمان حمله کنیم و اموال‌شان را به سرقت ببریم.

وی افزود : چند بار خواستیم نقشه را اجرا کنیم که کارفرماها در محل حضور داشتند و نشد. سرانجام شب سی‌ام بهمن امسال چاقو و قمه خریدیم و شبانه به آن ساختمان حمله کردیم. هشت نفر آنجا بودند که به جانشان افتادیم. برخی را زیر مشت و لگد گرفتیم و چهار نفر که مقاومت کردند را با ضربه‌های چاقو و قمه زخمی کردیم. به روزگوشی‌های تلفن همراهشان را سرقت کردیم. در همین گیرودار همسایه‌ها متوجه شدند و موضوع را به پلیس اطلاع دادند و ما فرار کردیم. موسی رضازاده، بازپرس شعبه دوم دادسرای جنایی تهران با تایید این خبر به جام جم گفت: با اعتراف او سه همدستش نیز گفته‌هایش را تایید کردند و قتل مرد جوان را برگردن یکدیگر انداختند. هنوز معلوم نیست کدام‌شان جنایت را رقم زده است. تحقیقات از آنها در این رابطه ادامه دارد.

بازداشت قاتل پسر نوجوان

قاتل نوجوان ۱۷ ساله تفرشی و همدستش در کمتر از یک ساعت پس از فرار بازداشت شدند. سرهنگ اسلامی، فرمانده انتظامی تفرش در این باره به خبرگزاری صداوسیما گفت: در پی دریافت خبری مبنی بر وقوع یک فقره نزاع و درگیری در یکی از محله‌های شهرستان بلافاصله مأموران انتظامی در محل حاضر شدند. در این درگیری نوجوانی ۱۷ ساله با ضربه‌های چاقو زخمی شد و بعد از انتقال به بیمارستان فوت کرد. قاتل و همدست وی در کمتر از یک ساعت دستگیر شدند. متهمان انگیزه ارتكابی را اختلاف و درگیری خیابانی عنوان کردند.